

بررسی عوامل موثر در بروز خشونت خانگی علیه زنان در شهر تبریز

مهرداد ساسانی^۱، لیلا شکاری^۲، عاطفه کشی زاده^۳، محمد رضا دلجوان انوری^۴، احمد اکبری^۵

^۱ دکتری مشاوره و مدرس موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه ارومیه

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه رشديه

^۴ کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی

^۵ کارشناسی ارشد، جامعه شناسی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر بروز خشونت خانگی علیه زنان در شهر تبریز پرداخته است. هدف این پژوهش شناخت برخی عوامل عمده ی مربوط به وضعیت جمعیت شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با خشونت شوهران علیه زنان است. جامعه ی آماری پژوهش حاضر، کلیه ی زنان متأهل (در حین طلاق) شهر تبریز می باشند که به شعب دادگاه خانواده ی شهر تبریز مراجعه می نمایند. حجم نمونه ی پژوهش حاضر، با استناد به حجم نمونه ی دو پژوهش مشابه ۱۰۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه گیری پژوهش حاضر، نمونه گیری در دسترس می باشد. ابزار اصلی تحقیق در این پژوهش پرسشنامه ی استاندارد ی که توسط محمد زنگنه ساخته شده بود استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها بر مبنای روش همبستگی انجام گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد بین اختلاف سن زوجین، طول مدت ازدواج زوجین، وضعیت اشتغال زوجین، نوع شغل زوجین، میزان درآمد زوجین، مداخله ی خویشاوندان زوجین، مشاهده ی خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، تجربه ی خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری و مصرف مواد مخدر و الکل شوهر با خشونت اعمال شده علیه زنان ارتباط معنی داری وجود دارد.

واژه های کلیدی: خشونت خانگی، زنان، تبریز

مقدمه

خانواده در مفهوم کلی خود پدیده ای جهانی است. خانواده در همه جا وجود دارد. چرا که به نیازهایی پاسخ می دهد که برای تمامی نوع بشر مشترک است. در یک خانواده عادی که از مادر، پدر، برادران و خواهران تشکیل شده شبکه ای از روابط برقرار است.

خانواده دارای کارکردهای متفاوتی است از جمله آن کارکرد عاطفی خانواده است که از نیاز انسان به محبت و وابستگی های عاطفی ناشی می شود. بدون وجود محبت و احساس پیوستگی ممکن است خانواده دچار مشکلات عاطفی و روانی گردد (محسنی، ۱۳۶۸).

هر خانواده را باید خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد (سیف، ۱۳۶۸). تحقیق در مورد خانواده از این نظر دارای اهمیت است که در جوامع معاصر خانواده دست خوش تغییرات نا هما هنگی قرار گرفته و به تدریج شکل و هیئت قدیمی خود را از دست می دهد و به گونه جدیدی تطور می یابد در نتیجه در کارکردهای خانواده تغییراتی نا هما هنگ با تغییرات ساختی آن پدید آمده است. روابط درون خانواده تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه قرار گرفته و در آن دگرگونی هایی پدید آمده است. از این لحاظ ممکن است در معرض آسیب پذیری قرارگیرد و دچار از هم پاشیدگی شود (وثوقی، ۱۳۸۰).

خانواده اولین مدرسه ای است که انسان در آن آموزش می بیند و با اصول زندگی اجتماعی و روش تفاهم با دیگران آشنا می گردد. اما باید توجه داشت که خانواده زمانی می تواند کارکرد های خود را به درستی انجام دهد و مامن عاطفی افراد قرار گیرد که دچار نا بسامانی، اختلال و آشفتگی نباشد (فنی، ۱۳۷۸). زندگی در جهان معاصر مستلزم تحمل فشارهای اجتماعی و انطباق با تغییرات سریع فن آوری و روند شهرنشینی و صنعتی شدن است، فقر شدید و مزمن در بسیاری از مناطق جهان آسیب پذیری مردم را در برابر تغییرات بیشتر می کند و مجموع این عوامل توانایی افراد را برای سازش با شرایط تازه زندگی تحلیل برده و پیامد این وضع بروز پاسخ های نا بهنجاری است که تعدد و تنوع آن روز به روز افزایش می یابد. بزهکاری، انحرافهای اخلاقی، اعتیاد، فرار از خانه و ... بالاخره خشونت از زمره این گونه پاسخهای نا بهنجارند. خشونت به شکل های مختلف آن یک معضل اجتماعی رو به رشد است که امروزه مهمترین عامل مرگ و میر نا بهنگام و عامل عمده اضطراب زا در بین اقشار آسیب پذیر یعنی کودکان، زنان و سالمندان به شمار می آید (رفیعی فر، ۱۳۸۰).

«خشونت» را می توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیش برد مقاصد خویش انجام می دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد. بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن، داد و فریاد زدن)، جنسی (آزار و مزاحمت جنسی و تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل خانه و ...) هم به خود بگیرد (درویش پور، ۱۳۷۸).

از دیدگاه «ژان کازنو» عمل خشونت آمیز عبارت از عملی است که با رفتارهای جسمی مخصوصاً از نظر جسمانی یا دست کم بیانی همراه گردد (ستوده، ۱۳۷۲).

طبق تعریف کارگاه مشورتی سازمان جهانی بهداشت: خشونت، استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی ... با تهدید یا تمایل - بر روی خود یا دیگری یا بر یک گروه یا جامعه است که می تواند بدون آسیب جسمی یا همراه با احتمال ایجاد جراحت، مرگ، آسیب روحی - روانی، اختلال رشد یا محرومیت های گوناگون باشد (رفیعی فر، ۱۳۸۰).

یکی از انواع خشونت در جامعه انسانی خشونتی است که در عرصه ی خانوادگی رخ می دهد و اغلب زنان و کودکان در معرض خطر آن قرار دارند. خشونت در خانواده از عواملی است که سلامت و امنیت خانواده را تهدید می کند. خشونت خانوادگی در دو بعد «کودک آزاری و زن آزاری» مطرح است که در پژوهش حاضر، بعد دوم آن یعنی «زن آزاری» یا به عبارت دیگر خشونت علیه زنان مدنظر است که هم در محدوده ی عمومی (جامعه) و هم در محدوده ی خصوصی (خانواده) اتفاق می افتد.

پدیده ی دردناک خشونت علیه زنان که در ابعاد گوناگون جسمانی، روانی، جنسی در سراسر جهان سلامت جسم و روان زنان رابه خطرمی اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد. در گسترده ترین نوع خود در قالب خشونت خانگی یا خانوادگی بروز و ظهور دارد. حداقل یک نفر از هر پنج نفر جمعیت مؤنث دنیا در طول زندگی شان توسط یک یا گروهی از مردان مورد خشونت جسمی یا جنسی قرار می گیرند (رفیعی فر، ۱۳۸۰).

خشونت علیه زنان، خشونت علیه خانواده و خشونت علیه کلیت جامعه است. خشونت علیه زنان معمولاً با خشونت علیه کودکان همراه است و چنانچه زن و کودک در معرض آن قرار گیرند سلامت جامعه به کلی تهدید می شود (ابوالقاسم، ۱۳۸۱).

طبق گزارش یونیسف در سال ۱۹۹۷ خشونت علیه زنان و دختران با عبور از مرزهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی یک پدیده بی سروصدا است که بر روی زندگی میلیون ها زن در سراسر جهان اثر می گذارد و اشکال متنوعی به خود می گیرد (معظمی، ۱۳۸۰).

طبق برآورد انجمن پزشکی آمریکا: سالانه ۲ تا ۴ میلیون نفر از زنان با خشونت مواجه می شوند. هر زن در طول عمرش به احتمال ۲۰ تا ۳۰ درصد در معرض خشونت قرار می گیرد (مصلح الدین، ۱۳۸۰). زنان در معرض خشونت خانگی نه صدای رسایی برای بیان آلام و دردهای خویش دارند و نه گریز گاهی مناسب برای رهایی از چنین دهشتناکی می یابند چنین موج وحشتی فروکش نخواهد کرد مگر آنکه خانواده ها، دولت ها و سازمان های جامعه مدنی به طور مستقیم توجه خود را به این امر معطوف دارند.

لذا با توجه به اهمیت خانواده و قداست آن و شناخت این مسأله که خشونت خانوادگی باعث مشکلات بسیاری برای خانواده و افراد آن خصوصاً کودکان می گردد. مانند تأثیر روانی خشونت بر آنان، افت تحصیلی، بالا رفتن بزهکاری، همچنین تهدیدی برای سلامت جسمی و روانی زنان، افت کارایی، عدم رسیدگی به مسؤلیت های خانوادگی، عدم اعتماد به نفس آنان، همچنین با اعتقاد به این

امر که اعمال خشونت در خانواده، نقض آشکار قوانین است و مشکلات بسیاری را به صورت فردی - اجتماعی به وجود می آورد، این انگیزه در پژوهشگر به وجود آمد تا تحقیقی تحت عنوان « بررسی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی علیه زنان در شهر تبریز » انجام دهد.

با توجه به مسائل ذکر شده مشخص می شود که انواع خشونت از جمله خشونت فیزیکی (بدنی)، روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن، داد و فریاد زدن)، جنسی (آزار و اذیت جنسی و تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل خانه، درآمد)، اجتماعی و فرهنگی (تحصیلات، شغل) در ادبیات موضوع و همچنین تجربیات کشورها دیده می شود.

از سؤالاتی که برای پژوهشگر مطرح می باشد این است که چه عواملی موجب اعمال خشونت شوهران علیه زنان می شود؟

در این میان چون موضوع وسیع است و بررسی تمامی عوامل دشوار است، بنابراین فقط تعدادی نشانه های مربوط به عوامل جمعیت شناختی (طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، اختلاف سن زوجین)، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (میزان درآمد، میزان تحصیلات زوجین، وضعیت اشتغال زوجین، نوع شغل زوجین، مداخله خویشاوندان زوجین، مشاهده خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، تجربه خشونت زوجین در خانواده ی پدری، مصرف مواد مخدر و الکل شوهر) در این تحقیق مد نظر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش پس رویدادی است که به بررسی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی علیه زنان در شهر تبریز می پردازد.

در این پژوهش متغیرهای پیش بین، عوامل جمعیت شناختی از قبیل: اختلاف سن زوجین، تعداد فرزندان، طول مدت ازدواج و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قبیل: میزان تحصیلات زوجین، وضعیت اشتغال زوجین، نوع شغل زوجین، میزان درآمد، مداخله خویشاوندان زوجین، مشاهده خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، تجربه خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، مصرف مواد مخدر و الکل می باشند که قابل دستکاری نیستند و از قبل وجود دارند. متغیر ملاک نیز « خشونت شوهران علیه زنان » می باشد. جامعه ی آماری تحقیق حاضر، کلیه ی زنان متأهل (در حین طلاق) شهر تبریز می باشند که به شعب دادگاه خانواده ی شهر تبریز مراجعه کرده بودند. حجم نمونه ی تحقیق حاضر، با استناد به حجم نمونه ی دو پژوهش مشا به ۱۰۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه گیری تحقیق حاضر، نمونه گیری در دسترس می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها با روش همبستگی انجام شد.

ابزار تحقیق

ابزار تحقیق در این پژوهش پرسشنامه ای مشتمل بر ۴۲ سؤال می باشد که در قسمت اول پرسشنامه مشخصات پاسخگو و همسرش سؤال شد و پس از آن نیز تعدادی سؤال برای سنجش متغیر ملاک و متغیرهای پیش بین مطرح شد. در این پژوهش از پرسشنامه استاندارد ی که توسط محمد زنگنه ساخته شده بود استفاده گردید. ایشان روایی گویه ها را از طریق مشورت با چند تن از اساتید رشته ی علوم انسانی و تطبیق سؤالات با تئوری سنجیدند و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS پایایی گویه ها را به دست آوردند که میزان آلفای کرانباخ برابر ۰/۸۵ بود. اما از آنجا که تعداد کمی از سؤالات با توجه به متغیرهای پژوهش حاضر تغییر یافته بود روایی آن از طریق مشورت با چند تن از اساتید و اعمال نظرات کاربردی آنان مجدداً ارزیابی گردید. اما جهت آزمون پایایی پرسشنامه، از حجم نمونه ای به تعداد ۳۰ نفر استفاده شد و با استفاده از نرم افزار SPSS پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای تحقیق محاسبه گردید که نتیجه آن در زیر آمده است.

در این تحقیق میزان آلفای کرانباخ برابر ۰/۸۲۹ محاسبه شده است که عدد مطلوبی است و نشان می دهد که گویه ها از همسازی و پایداری درونی بالایی برخوردارند.

یافته ها

جدول ۱: آزمون فرض همبستگی بین حبس کردن در منزل و اختلاف سن زوجین

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	اختلاف سن زوجین	حبس کردن در منزل	۰/۱۹۹	۰/۰۴۷

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط حبس کردن در منزل با اختلاف سن زوجین رابطه معنی داری نشان داد.

جدول ۲: آزمون فرض همبستگی بین مؤلفه های خشونت اجتماعی و تعداد فرزندان

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	تعداد فرزندان	ممنوعیت ملاقات با دوستان	-۰/۱۰۳	۰/۳۰۸
۲	تعداد فرزندان	ممنوعیت ملاقات با والدین	-۰/۰۲۸	۰/۷۴۸
۳	تعداد فرزندان	حبس کردن در منزل	۰/۰۱۶	۰/۸۷۸
۴	تعداد فرزندان	قطع کردن تلفن	-۰/۰۸۱	۰/۴۲۳
۵	تعداد فرزندان	تعقیب و جاسوسی	-۰/۱۷۵	۰/۰۸۲

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان ، ممنوعیت ملاقات با والدین ، قطع کردن تلفن ، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) هیچ کدام با تعداد فرزندان رابطه معناداری نشان ندادند .

جدول ۳: آزمون فرض همبستگی بین مؤلفه های خشونت اقتصادی و تعداد فرزندان

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اقتصادی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	تعداد فرزندان	خرجی ندادن	۰/۰۶۹	۰/۴۹۳
۲	تعداد فرزندان	کنترل دائمی مخارج	۰/۰۴۷	۰/۶۴۱
۳	تعداد فرزندان	پنهان کردن میزان درآمد	۰/۱۲۵	۰/۲۱۴
۴	تعداد فرزندان	مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل	-۰/۰۵۲	۰/۶۰۵

از بین انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی ، کنترل دائمی مخارج زن ، پنهان کردن میزان درآمد و مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) هیچ کدام با تعداد فرزندان رابطه معناداری نشان ندادند .

جدول ۴: آزمون فرض همبستگی بین تعقیب و جاسوسی و طول مدت ازدواج زوجین

ردیف	متغیرپیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	طول مدت ازدواج	تعقیب و جاسوسی	-۰/۲۰۵	۰/۰۴۰

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط تعقیب و جاسوسی با طول مدت ازدواج رابطه معنا داری نشان داد.

جدول ۵: آزمون فرض همبستگی بین مؤلفه های خشونت اجتماعی و میزان تحصیلات زوجین

ردیف	متغیرپیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	میزان تحصیلات زوجین	ممنوعیت ملاقات با دوستان	۰/۱۳۲	۰/۱۹۰
۲	میزان تحصیلات زوجین	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۰۷۲	۰/۴۷۷
۳	میزان تحصیلات زوجین	حبس کردن در منزل	-۰/۰۸۶	۰/۳۹۳
۴	میزان تحصیلات زوجین	قطع کردن تلفن	۰/۱۲۳	۰/۲۲۲
۵	میزان تحصیلات زوجین	جاسوسی و تعقیب	۰/۳۰	۰/۷۶۹

• از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) هیچ کدام با میزان تحصیلات زوجین رابطه ی معنا داری نشان ندادند.

جدول ۶: آزمون فرض همبستگی بین مؤلفه های خشونت اقتصادی و میزان تحصیلات زوجین

رابطه معنی داری	ضریب همبستگی	نوع خشونت اقتصادی	متغیر پیش بین	ردیف
۰/۹۳۶	-۰/۰۰۸	خرجی ندادن	میزان تحصیلات زوجین	۱
۰/۴۱۱	۰/۰۸۳	کنترل دائمی مخارج	میزان تحصیلات زوجین	۲
۰/۸۸۳	۰/۰۱۵	پنهان کردن میزان درآمد	میزان تحصیلات زوجین	۳
۰/۷۸۴	۰/۰۲۸	مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل	میزان تحصیلات زوجین	۴

• از انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی ، کنترل دائمی مخارج ، پنهان کردن میزان درآمد ، مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) هیچ کدام با میزان تحصیلات زوجین رابطه ی معناداری نشان ندادند .

جدول ۷: آزمون فرض همبستگی تعقیب و جاسوسی و وضعیت اشتغال همسر

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	نوع خشونت اجتماعی	متغیر پیش بین
۰/۰۳۹	-۰/۲۰۷	تعقیب و جاسوسی	وضعیت اشتغال همسر

• از بین انواع خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان ، ممنوعیت ملاقات با والدین ، قطع کردن تلفن ، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط تعقیب و جاسوسی با وضعیت اشتغال همسر رابطه معناداری نشان داد.

جدول ۸: آزمون فرض همبستگی دو مؤلفه ی خشونت اقتصادی (مخالفت با اشتغال زن و ندادن خرجی) و وضعیت اشتغال همسر

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	انواع خشونت اقتصادی	متغیر پیش بین	ردیف
---------------	--------------	---------------------	---------------	------

۰/۰۳۱	۰/۲۱۶	مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل	وضعیت اشتغال همسر	۱
۰/۰۰۱	-۰/۳۰۵	ندادن خرجی	وضعیت اشتغال همسر	۲

از بین انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی ، کنترل دائمی مخارج ، پنهان کردن میزان درآمد ، مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل و خرجی ندادن با وضعیت اشتغال همسر رابطه ی معنا داری نشان دادند .

جدول ۹: آزمون فرض همبستگی تعقیب و جاسوسی و نوع شغل زوجین

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	نوع خشونت اجتماعی	متغیر پیش بین	ردیف
۰/۰۴۲	-۰/۲۰۴	تعقیب و جاسوسی	نوع شغل زوجین	۱

از انواع مختلف خشونت اجتماعی(ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین ، قطع کردن تلفن ، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط تعقیب و جاسوسی با نوع شغل زوجین رابطه معناداری نشان داد .

جدول ۱۰: آزمون فرض همبستگی تعقیب و جاسوسی و میزان درآمد زوجین

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	نوع خشونت اجتماعی	متغیر پیش بین	ردیف
۰/۰۲۴	۰/۲۲۶	تعقیب و جاسوسی	میزان درآمد زوجین	۱

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی(ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین ، قطع کردن تلفن ، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط تعقیب و جاسوسی با میزان درآمد زوجین رابطه معناداری نشان داد .

جدول ۱۱: آزمون فرض همبستگی ندادن خرجی توسط شوهر و میزان درآمد زوجین

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اقتصادی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	میزان درآمد زوجین	خرجی ندادن توسط شوهر	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۲

- از بین انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی، کنترل دائمی مخارج زن، پنهان کردن میزان درآمد و مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) فقط ندادن خرجی با میزان درآمد زوجین رابطه معناداری نشان داد.

جدول ۱۲: آزمون همبستگی دو مؤلفه ی خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان و والدین) و مداخله ی خویشاوندان همسر

ردیف	متغیر پیش بین	انواع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	مداخله خویشاوندان همسر	ممنوعیت ملاقات با دوستان	۰/۲۹۲	۰/۰۰۳
۲	مداخله خویشاوندان همسر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۶۹	۰/۰۰۷

• از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) ممنوعیت ملاقات با دوستان و ممنوعیت ملاقات با والدین با مداخله ی خویشاوندان همسر رابطه ی معناداری نشان دادند.

جدول ۱۳: آزمون فرض همبستگی دو مؤلفه ی خشونت اقتصادی (ندادن خرجی و کنترل دائمی مخارج) و مداخله خویشاوندان همسر

ردیف	متغیر پیش بین	انواع خشونت اقتصادی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	مداخله خویشاوندان	ندادن خرجی	۰/۲۴۱	۰/۰۱۶

			همسر	
۰/۰۳۹	۰/۲۰۷	کنترل دائمی مخارج	مداخله خویشاوندان همسر	۲

از بین انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی، کنترل دائمی مخارج زن، پنهان کردن میزان درآمد و مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) ندادن خرجی و کنترل دائمی مخارج با مداخله ی خویشاوندان همسر رابطه ی معناداری نشان دادند.

جدول ۱۴: آزمون فرض همبستگی مؤلفه های خشونت اجتماعی و مؤلفه های مشاهده ی خشونت توسط زن در خانواده ی پدری، همچنین آزمون فرض همبستگی تعقیب و جاسوسی و مشاهده ی خشونت توسط زن در خانواده ی پدری

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	بیرون کردن پدر و مادر از منزل توسط یکدیگر	تعقیب و جاسوسی	۰/۲۰۲	۰/۰۴۳
۲	قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	تعقیب و جاسوسی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۱
۳	ضرب و شتم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	تعقیب و جاسوسی	۰/۲۹۳	۰/۰۰۸
۴	ضرب و شتم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	قطع کردن تلفن	۰/۲۰۱	۰/۰۴۵
۵	قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۶۳	۰/۰۰۸
۶	داد و فریاد پدر و مادر برسر یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با دوستان	۰/۲۰۱	۰/۰۴۵
۷	قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با دوستان	۰/۲۶۶	۰/۰۰۸
۸	مشاهده ی خشونت توسط زن	تعقیب و جاسوسی	۰/۲۵۹	۰/۰۰۹

• از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع

کردن تلفن ، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) جاسوسی و تعقیب با بیرون کردن پدر و مادر از منزل توسط یکدیگر ، قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر ، ضرب و شتم پدر و مادر نسبت به یکدیگر و مشاهده ی خشونت توسط زن در خانه ی پدری رابطه ی معناداری نشان داد و هم چنین ممنوعیت ملاقات با دوستان با داد و فریاد پدر و مادر برسر یکدیگر و قهر و اخم پدر و مادر با یکدیگر رابطه ی معناداری نشان داد و قطع کردن تلفن نیز با ضرب و شتم پدر و مادر با یکدیگر رابطه ی معناداری نشان داد .

جدول ۱۵: آزمون فرض همبستگی مؤلفه های خشونت اجتماعی و مؤلفه های مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانواده ی پدری و آزمون فرض همبستگی حبس کردن در منزل و مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانواده ی پدری

ردیف	متغیرپیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر	حبس کردن در منزل	۰/۲۰۴	۰/۰۴۲
۲	بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر	حبس کردن در منزل	۰/۲۱۴	۰/۰۳۳
۳	پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر	حبس کردن در منزل	۰/۲۸۸	۰/۰۰۴
۴	مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری	حبس کردن در منزل	۰/۲۹۵	۰/۰۰۳
۵	ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۱۵	۰/۰۳۳
۶	بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۴۱	۰/۰۱۶
۷	قهر و اخم پدر و مادر شوهر به یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۲۷	۰/۰۲۳
۸	ناسزا گویی پدر و مادر شوهر به یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۴۰	۰/۰۱۶
۹	پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر	ممنوعیت ملاقات با والدین	۰/۲۲۴	۰/۰۲۵
۱۰	پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر	قطع کردن تلفن	۰/۲۸۵	۰/۰۰۴
۱۱	بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر	قطع کردن تلفن	۰/۲۵۴	۰/۰۱۱
۱۲	مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری	قطع کردن تلفن	۰/۲۱۸	۰/۰۲۹
۱۳	داد و فریاد پدر و مادر شوهر برسر	ممنوعیت ملاقات با	۰/۱۹۶	۰/۰۴۰

	دوستان	یکدیگر	
--	--------	--------	--

- از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) حبس کردن در منزل با ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر، بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر، پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر و مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری رابطه ی معناداری نشان داد. ممنوعیت ملاقات با والدین با ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر، بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر، قهر و اخم پدر و مادر شوهر با یکدیگر، ناسزاگویی پدر و مادر شوهر به یکدیگر و پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر رابطه ی معناداری نشان داد. قطع کردن تلفن با پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر، بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر و مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری رابطه ی معناداری نشان داد. هم چنین، ممنوعیت ملاقات با دوستان با داد و فریاد پدر و مادر شوهر برسر یکدیگر رابطه ی معناداری نشان داد.

جدول ۱۶: آزمون فرض همبستگی ندادن خرجی توسط شوهر و قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اقتصادی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر	ندادن خرجی توسط شوهر	۰/۲۳۶	۰/۰۱۸

از بین انواع مختلف خشونت اقتصادی (ندادن خرجی، کنترل دائمی مخارج زن، پنهان کردن میزان درآمد و مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل) فقط خرجی ندادن با قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر رابطه معناداری نشان داد.

جدول ۱۷: آزمون فرض همبستگی سه مؤلفه ی خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان و والدین و تعقیب و جاسوسی) و تجربه ی خشونت توسط زن در خانواده ی پدری

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	تجربه خشونت توسط زن در خانواده ی پدری	ممنوعیت ملاقات با دوستان	۰/۲۱۳	۰/۰۳۴

۰/۰۱۸	۰/۲۳۷	ممنوعیت ملاقات با والدین	تجربه خشونت توسط زن در خانواده ی پدری	۲
۰/۰۱۲	۰/۰۲۵	تعقیب و جاسوسی	تجربه خشونت توسط زن در خانواده ی پدری	۳

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) ممنوعیت ملاقات با دوستان و ممنوعیت ملاقات با والدین و تعقیب و جاسوسی با تجربه خشونت توسط زن در خانه ی پدری رابطه ی معناداری نشان دادند.

جدول ۱۸: آزمون فرض همبستگی ممنوعیت ملاقات با والدین و مصرف مواد مخدر و الکل توسط شوهر

ردیف	متغیر پیش بین	نوع خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	مصرف مواد مخدر و الکل توسط شوهر	ممنوعیت ملاقات با والدین	-۰/۲۲۴	۰/۰۲۵

از بین انواع مختلف خشونت اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان، ممنوعیت ملاقات با والدین، قطع کردن تلفن، جاسوسی و تعقیب و حبس کردن در منزل) فقط ممنوعیت ملاقات با والدین با مصرف مواد مخدر و الکل توسط شوهر رابطه ی معناداری نشان داد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش شناخت برخی عوامل عمده ی مربوط به وضعیت جمعیت شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با خشونت شوهران علیه زنان است که از این میان اختلاف سن زوجین، تعداد فرزندان، طول مدت ازدواج زوجین، میزان تحصیلات زوجین، وضعیت اشتغال زوجین، نوع شغل زوجین، میزان درآمد، مداخله ی خویشاوندان زوجین، مشاهده ی خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، تجربه ی خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری، مصرف مواد مخدر و الکل در رابطه با مراجعین به شعب دادگاه خانواده شهر تبریز مد نظر قرار گرفته است. - در مورد ارتباط بین «اختلاف سن زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است، حبس کردن در منزل توسط شوهر و این ارتباط از

نوع همبستگی مثبت می باشد، به عبارت دیگر، هر قدر میزان اختلاف سن زوجین بیشتر باشد، میزان حبس کردن زن در منزل توسط شوهر بیشتر خواهد بود. این یافته با نتایج تحقیق انجام شده توسط غفاری (۱۳۷۷) حمایت می شود. وی در مقاله ای تحت عنوان « آیا ضرب و شتم زدن نشانه ی مردانگی است؟»، عدم رعایت فاصله ی سنی در ازدواج را از عوامل بروز اختلاف یا اعمال خشونت در خانواده ها می داند. در مورد ارتباط بین «تعداد فرزندان» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود نیست. اما یافته های فوق با یافته ی پژوهش فتاحی مفرح (۱۳۸۰)، در زمینه ی بعد خانوار سازگار نبوده و آن را حمایت نمی کند. پژوهش فتاحی مفرح (۱۳۸۰) نشان داد که بعد خانوار با خشونت ارتباط مثبت دارد. به صورتی که با افزایش تعداد اعضای خانواده، خشونت علیه زنان نیز افزایش می یابد. در حالی که پژوهش حاضر ارتباط معناداری بین تعداد فرزندان و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده نشان نمی دهد. در مورد ارتباط بین «طول مدت ازدواج زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است: هر اندازه طول مدت ازدواج زوجین پائین باشد تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود و هر اندازه طول مدت ازدواج زوجین بالا باشد تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر علیه زن کمتر خواهد بود. پژوهش استروبر؛ باربور (۱۹۸۳)، تحت عنوان «تصمیم به ترک رابطه ی آزارگر: وابستگی اقتصادی و تعهد روان شناختی» در بخش طول مدت ازدواج پژوهش حاضر را به طریقی حمایت می کند زیرا زنان گروه نمونه در پژوهش حاضر افرادی هستند که برای طلاق به دادگاه خانواده مراجعه نموده اند بنابراین قصد ترک رابطه ی آزاردهنده را دارند. استروبر؛ باربور (۱۹۸۳) به این نتیجه رسیدند که طول مدت ازدواج به طور معنی داری با تصمیمات ترک رابطه آزاردهنده رابطه داشت، به طوری که زنانی که رابطه ی آزار دهنده را ترک می کردند طول مدت ازدواج آن ها کمتر از زنانی بود که رابطه ی آزار دهنده را حفظ می کردند. در مورد ارتباط بین «میزان تحصیلات زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود نیست.

این یافته با یافته های پژوهش کاهانی (۱۳۷۶)، بیات (۱۳۷۸)، آقاخانی و آقابیکلویی (۱۳۷۹)، موسوی و شفیعی (۱۳۸۰)، فتاحی مفرح (۱۳۸۰)، گلس (۱۹۷۹)، اندرسون (۱۹۹۷) و هورننگ و همکارانش (۱۹۸۰) حمایت نمی شود. براساس یافته های کاهانی (۱۳۷۶)، آقاخانی و آقابیکلویی (۱۳۷۹)، یکی از عوامل مرتبط با خشونت در خانواده تحصیلات پایین زن و شوهر است. موسوی و شفیعی (۱۳۸۰)، فتاحی مفرح (۱۳۸۰)، گلس (۱۹۷۹)، اندرسون (۱۹۹۷) و هورننگ و همکارانش (۱۹۸۰)، به این نتیجه دست یافتند که هرچه سطح تحصیلات زنان بیشتر از سطح تحصیلات مردان باشد، اعمال خشونت از جانب مردان علیه زنان بالاتر می رود. براساس یافته های بیات (۱۳۷۸)، تحصیلات زن تأثیر قابل توجهی بر کاهش این مشکل در خانواده ندارد. حتی می توان گفت زنان با تحصیلات نسبی (دیپلم) بیشتر مورد آزار قرار می گیرند. همچنین پذیرش رفتارهای پرخاشگرانه شوهر در زنان بی سواد از سطح بالایی برخوردار بود، به علاوه عدم پذیرش و اعتراض و شکایت بیشتر زنان تحصیل کرده از این مشکل به مراجع قانونی به دلیل اطمینان از آینده اقتصادی و اجتماعی خود می باشد. در مورد ارتباط بین «وضعیت اشتغال زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است.

تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر، مخالفت با اشتغال زن در خارج از منزل و خرجی ندادن که همبستگی آن ها با وضعیت اشتغال شوهر به ترتیب منفی، مثبت و منفی می باشد، به عبارت دیگر: هراندازه وضعیت اشتغال شوهر بهتر باشد، تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر کمتر خواهد بود و هراندازه وضعیت اشتغال شوهر بدتر باشد، تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر بیشتر خواهد بود.

هر اندازه میزان وضعیت اشتغال شوهر بهتر باشد میزان خرجی ندادن به زن توسط همسر کمتر خواهد بود و هر اندازه میزان وضعیت اشتغال شوهر بدتر باشد میزان خرجی ندادن به زن توسط همسر بیشتر خواهد بود.

مولوردی (۱۳۷۸)، یکی از مهم ترین علل خشونت نسبت به زنان را مناسبات نابرابر میان زن و مرد در برخورداری از قدرت (از نظر روابط کاری) می داند.

گلس (۱۹۷۹)، معتقد است مردانی که وضعیت شغلی آنان پایین تر از زنان خود است به احتمال بیشتر به زن های خود ستم روا می دارند. هورنانگ و همکارانش (۱۹۸۰)، تفاوت پایگاه شغلی هرکدام از زوجین را یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خشونت روان شناختی می دانند.

ماریاروی، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خشونت را بیکاری شوهر بیان می کند (قراچه داغی، ۱۳۷۷). استروبر؛ باربور (۱۹۸۳)، در یک بررسی به این نتیجه دست یافتند که اشتغال به طور معناداری با تصمیمات مربوط به رابطه وابسته است. برای اساس زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل تصمیم به ترک رابطه ی آزردهنده می گیرند. در مورد ارتباط بین «نوع شغل زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است، یعنی هر اندازه نوع شغل زوجین (یعنی از لحاظ رده ی شغل) بهتر باشد تعقیب و جاسوسی توسط همسر کمتر خواهد بود و هراندازه نوع شغل زوجین (یعنی از لحاظ رده ی شغل) بهتر نباشد تعقیب و جاسوسی توسط همسر بیشتر خواهد بود.

نازپرور (۱۳۷۶)، در بررسی موارد زن آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی شهر تهران به این نتیجه رسید که در میان زنان کتک خورده، تعداد بیشتری از زنان دارای شوهران با شغل آزاد بودند. در پژوهش حاضر ۵۲٪ شوهران زنان گروه نمونه دارای مشاغل خصوصی می باشند. در مورد ارتباط بین «میزان درآمد زوجین» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است. یعنی زوجینی که میزان درآمدها بیشتر باشد تعقیب و جاسوسی شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود، هراندازه میزان درآمد زوجین کمتر باشد میزان ندادن خرجی از جانب همسر بیشتر خواهد بود و هراندازه میزان درآمد زوجین بیشتر باشد میزان ندادن خرجی از جانب همسر کمتر خواهد بود. هراندازه میزان درآمد زوجین کمتر باشد میزان خشونت اقتصادی از جانب شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود.

این یافته با یافته های قبلی در پژوهش های کاهانی (۱۳۷۶)، غفاری (۱۳۷۷)، مولوردی (۱۳۷۸)، اندرسون (۱۹۹۷) حمایت می شود و این محققان فقر اقتصادی را بزرگ ترین و مهم ترین عامل بروز خشونت خانوادگی می دانند. میانگین درآمد شوهران زنان گروه نمونه در پژوهش حاضر ۲۴۸ هزار تومان

می باشد که نشان دهنده ی سطح پایین اقتصادی است .

ماریا روی ، مشارکت برسر پول را یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خشونت بیان می کند(قراچه داغی ، ۱۳۷۷ . استروبر ؛ باربور(۱۹۸۳) ، به این نتیجه دست یافتند که وابستگی اقتصادی به همسر در زنان غیرشاغل یکی از عوامل ادامه دادن زندگی با همسر آزارگر است .در مورد ارتباط بین « مداخله خویشاوندان همسر» و « خشونت اعمال شده علیه زنان ارتباط معنی دار موجود است، یعنی هراندازه میزان مداخله خویشاوندان همسر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با دوستان توسط همسر بیشتر خواهد بود .هراندازه میزان مداخله خویشاوندان همسر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود .هراندازه میزان مداخله ی خویشاوندان همسر بیشتر باشد خرجی ندادن همسر نیز بیشتر خواهد بود .هراندازه میزان مداخله ی خویشاوندان همسر بیشتر باشد کنترل دائمی مخارج زن از جانب همسر بیشتر خواهد بود . این یافته توسط یافته های قبلی پژوهشگران نازپرور (۱۳۷۶) ، بیات (۱۳۷۸) و موسوی و شفیعی (۱۳۸۰) حمایت می شود ، این پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که زندگی در کنار خانواده ی شوهر و دخالت آن ها در امور خانواده با افزایش خشونت علیه زنان ارتباط معناداری دارد یعنی هرچه خویشاوندان شوهر در زندگی زناشویی آن ها دخالت بیشتری کنند، میزان خشونت شوهران علیه زنان افزایش می یابد . این موضوع را به این طریق می توان توضیح داد که احترام به حرف بزرگ تر به عنوان یک ارزش خرده فرهنگی یا ترس از درگیر شدن و طرد شدن از سوی خانواده ی پدری و یا باورهای فرهنگی فرزندان که حتی با وجود استقلال اقتصادی از نظر روانی و اجتماعی وابسته به خانواده محسوب می گردند احتمالاً زمینه ساز دخالت خویشاوندان شوهر در زندگی مشترک آن ها در نهایت خشونت شوهران علیه زنان در خانواده می شود . با توجه به اینکه وابستگی در مورد فرزندان پسر مجاز شمرده شده و خانواده ی شوهر خود را محق می داند که در امورات زندگی فرزند دخالت نموده و فرزند پسر خود را تحت فشار قرار دهند و از طرفی اغلب اوقات نیز فرزندان پسر برای از دست ندادن حمایت روانی و اجتماعی خانواده ، در مقابل دخالت آنان مقاومتی انجام نمی دهند همین امر زمینه ی افزایش دخالت خویشاوندان را بیشتر می کند . در همین راستا ، کمتر دانستن دخالت خویشاوندان زن در زندگی زناشویی زوجین در برابر دخالت خویشاوندان مرد ممکن است به این دلیل باشد که زنان گروه نمونه می خواستند خانواده ی خود را از هرگونه اتهام به دخالت در زندگی خود مبرا دانسته و دخالت خویشاوندان شوهر را پررنگ کنند .در مورد ارتباط بین « مشاهده خشونت توسط زوجین در خانواده ی پدری » و « خشونت اعمال شده علیه زنان » محقق به نتایج زیر دست یافته است :بین «بیرون کردن پدر و مادر زن از منزل توسط یکدیگر» ، «قهر و اخم پدر و مادر زن به یکدیگر» ، «ضرب و شتم پدر و مادر زن نسبت به یکدیگر» ، «مشاهده ی خشونت توسط زن در خانه ی پدری» و «جاسوسی و تعقیب» و همچنین بین «داد و فریاد پدر و مادر زن برسر یکدیگر» ، « قهر و اخم پدر و مادر زن با یکدیگر» و « ممنوعیت ملاقات با دوستان» ارتباط معنی دار وجود دارد . همگی دارای همبستگی مثبت می باشند ، به عبارت دیگر : هراندازه میزان بیرون کردن پدر و مادر از منزل توسط یکدیگر بیشتر باشد میزان تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر بیشتر خواهد بود .هراندازه قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر بیشتر باشد میزان تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر بیشتر خواهد بود .هراندازه ضرب و شتم پدر و مادر با یکدیگر بیشتر

باشد تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر بیشتر خواهد بود. هراندازه مشاهده ی خشونت توسط زن در خانه ی پدری بیشتر باشد تعقیب و جاسوسی از جانب شوهر نیز بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان ضرب و شتم پدر و مادر نسبت به یکدیگر بیشتر باشد میزان قطع کردن تلفن نیز از جانب شوهر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان داد و فریاد پدر و مادر بر سر یکدیگر بیشتر باشد ممنوعیت ملاقات با دوستان از جانب شوهر نیز بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر بیشتر باشد ممنوعیت ملاقات با والدین از جانب شوهر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان قهر و اخم پدر و مادر نسبت به یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با دوستان از جانب شوهر بیشتر خواهد بود. همچنین مشخص شد که بین «ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر»، «بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر»، «پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر»، «مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری» و «حبس کردن در منزل» ارتباط معنی دار وجود دارد. بین «ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر»، «بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر»، «قهر و اخم پدر و مادر شوهر با یکدیگر»، «ناسزاگویی پدر و مادر شوهر به یکدیگر»، «پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر» و «ممنوعیت ملاقات با والدین» ارتباط معنی دار وجود دارد. بین «پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر»، «بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر»، «مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری» و «قطع کردن تلفن» ارتباط معنی دار وجود دارد. همچنین «بین داد و فریاد پدر و مادر شوهر برسر یکدیگر» و «ممنوعیت ملاقات با دوستان» ارتباط معناداری دارد و همگی دارای همبستگی مثبت می باشند، به عبارت دیگر: هراندازه میزان ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر بیشتر باشد میزان حبس کردن زن در منزل توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر بیشتر باشد میزان حبس کردن زن در منزل توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر بیشتر باشد میزان حبس کردن زن در منزل توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه مشاهده ی خشونت توسط همسر در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان حبس کردن زن در منزل توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان ضرب و شتم پدر و مادر شوهر با یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان قهر و اخم پدر و مادر شوهر با یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان ناسزاگویی پدر و مادر شوهر به یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان قطع کردن تلفن توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر بیشتر باشد میزان قطع کردن تلفن توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه مشاهده ی خشونت توسط همسر در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان قطع کردن تلفن توسط همسر بیشتر خواهد بود. هراندازه

میزان داد و فریاد پدر و مادر شوهر بر سر یکدیگر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با دوستان توسط همسر بیشتر خواهد بود. همچنین مشخص شد که بین «قهر و اخم پدر و مادر زن نسبت به یکدیگر» و «خرجی ندادن توسط شوهر» ارتباط معنی دار وجود داد. این همبستگی از نوع همبستگی مثبت می باشد، به عبارت دیگر: هراندازه میزان قهر و اخم پدر و مادر زن نسبت به یکدیگر بیشتر باشد میزان ندادن خرجی توسط همسر بیشتر خواهد بود. همچنین مشخص شد که بین «بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر»، «ضرب و شتم پدر و مادر شوهر نسبت به یکدیگر»، «پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر»، «مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری» و «خشونت اجتماعی» ارتباط معنی دار وجود دارد. همچنین بین «پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر»، «مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری» ارتباط معنی دار وجود دارد. همگی همبستگی ها مثبت می باشند، به عبارت دیگر: هراندازه میزان بیرون کردن پدر و مادر شوهر از منزل توسط یکدیگر بیشتر باشد میزان بروز خشونت اجتماعی توسط شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان ضرب و شتم پدر و مادر شوهر نسبت به یکدیگر بیشتر باشد میزان بروز خشونت اجتماعی توسط شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان پرتاب اشیاء توسط پدر و مادر شوهر به یکدیگر بیشتر باشد میزان بروز خشونت اجتماعی توسط شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان مشاهده ی خشونت توسط شوهر در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان بروز خشونت اجتماعی توسط شوهر علیه زن بیشتر خواهد بود. یافته های حاصل توسط یافته های پژوهشگران بیات (۱۳۷۸)، مولوردی (۱۳۷۸)، اسعد گرگانی (۱۳۷۹)، اسکورگر (۱۹۸۸)، استیتس (۱۹۹۰)، مارتین و همکارانش (۱۹۸۷) و آلبریچ و هوبر (۱۹۸۱) حمایت می شوند. این فرضیه در چارچوب نظریه ی یادگیری اجتماعی قابل تبیین است. چنانچه اشتراوس و همکاران (۱۹۸۰) مشخص کرده اند افراد محبت کردن نسبت به هم و در مقابل آن رفتار خشونت آمیز نسبت به هم را در خانواده فرا می گیرند. در چنین فضایی خانواده مکانی مقدر و زمین تمرین برای مشاهده و تجربه آموزی رفتار توأم با خشونت است. البته لازم به ذکر است که ضرورتاً همه ی کسانی که در خانواده ی خشونت گر بزرگ می شوند در بزرگ سالی رفتار خشونت آمیز ندارند. شهنی بیلاق (۱۳۷۶) و عده ای دیگر تأکید دارند که وجود تاریخچه ی خشونت در خانواده خطر وقوع آن را در بزرگ سالی افزایش می دهد. آلبریچ و هوبر (۱۹۸۱)، به این نتیجه رسیدند که مشاهده ی خشونت والدین، نگرش های افراد را درباره ی نقش های زنان تحت تأثیر قرار نداد اما نگرش های آن ها درباره ی استفاده از خشونت در برابر زنان را تحت تأثیر قرار داد. همچنین مردان با احتمال بیشتری خشونت علیه زنان را مجاز می دانستند اگر آن ها شاهد خشونت پدرشان نسبت به مادرشان بودند. پس به این نتیجه می رسند که مشاهده ی خشونت والدین، بر خشونت گر بودن فرد در بزرگسالی تأثیر دارد و احتمال خشونت گر بودن افرادی که شاهد خشونت والدین شان هستند نسبت به افرادی که شاهد خشونت والدین نبودند بیشتر است.

در مورد ارتباط بین «تجربه خشونت توسط زن در خانه پدری» و «خشونت اعمال شده علیه زنان» ارتباط معنی دار موجود است یعنی هراندازه میزان تجربه خشونت توسط زن در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با دوستان توسط همسر علیه زن بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان تجربه خشونت

توسط زن در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر علیه زن بیشتر خواهد بود. هراندازه میزان تجربه خشونت توسط زن در خانه ی پدری بیشتر باشد میزان تعقیب و جاسوسی توسط همسر علیه زن بیشتر خواهد بود. همچنین مشخص شد که بین « تجربه خشونت توسط مرد در خانه ی پدری » و هیچ کدام از انواع خشونت ارتباط معنی دار وجود ندارد یافته های حاصل توسط یافته سیندر و فراچمن (۱۹۸۱) تاحدودی حمایت می شوند . گلس (۱۹۷۶) ، در پژوهشی با عنوان « زنان آزار شده : چرا آن ها به زندگی در خانه ادامه می دهند ؟ » به این نتیجه رسید که در صورت تجربه ی خشونت به وسیله ی زنان در دوره ی کودکی ، آن ها با احتمال بیشتری به زندگی با شوهر خشونت گر خود ادامه می دهند . در مورد ارتباط بین « مصرف مواد مخدر و الکل » و « خشونت اعمال شده علیه زنان » مشخص شد که بین « مصرف مواد مخدر و الکل » و « ایجاد ممنوعیت ملاقات با والدین و خویشاوندان » ارتباط معنی دار وجود دارد و از نوع همبستگی منفی می باشد ، به عبارت دیگر، هراندازه میزان مصرف مواد مخدر و الکل توسط شوهر بیشتر باشد میزان ممنوعیت ملاقات با والدین توسط همسر کمتر خواهد نتیجه ی حاصل از این فرضیه با یافته های پژوهشگران بیات (۱۳۷۸) ، مولاوردی (۱۳۷۸) ، نازپرور (۱۳۷۶) ، اسکورگر (۱۹۸۸) تاحدودی حمایت می شود .

منابع

آقاخانی ، کامران ؛ آقابیگلویی ، عباس (۱۳۷۹) ، بررسی خشونت فیزیکی توسط همسر علیه زنان مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی ، پایان نامه ی دکتری تخصصی پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی ایران .

بیات ، فرزانه (۱۳۷۸) ، بررسی قربانیان زن آزاری مراجعه کننده به پنج واحد پزشکی قانونی استان تهران ، روزنامه ی همشهری ، سال هفتم ، ش ۱۹۱۵ ، ۷ شهریور ۱۳۷۷ .

پوراسلامی ، محمد ؛ رفیعی فر ، شهرام (۱۳۷۹) ، حذف خشونت علیه زنان ضرورتی برای توانمند سازی و سلامت زنان ، مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان ، مرکز امور مشارکت زنان ، تهران ، ایران مصور .

پور رضا ، ابوالقاسم (۱۳۸۱) ، آگاهی و نگرش مردم جنوب تهران نسبت به خشونت خانگی و خشونت علیه زنان ، تهران ، انجمن تنظیم خانواده .

درویش پور ، مهرداد (۱۳۷۸) ، چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می شوند ؟ ، زنان ، سال هشتم ، ش ۵۶ .

رفیعی فر ، شهرام (۱۳۸۰) ، خشونت علیه زنان ، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش خشونت در خانواده ، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .

ستوده ، هدایت اله (۱۳۷۲) ، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی ، تهران ، انتشارات آوای نی .

سیف ، سوسن (۱۳۶۸) ، تئوری رشد خانواده ، تهران ، انتشارات الزهراء .

شهنی ییلاق ، منیژه (۱۳۷۶) ، رابطه ی برخی عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به

- همسران خود در اهواز ، مجله ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه چمران اهواز ، دوره ی سوم، سال چهارم ، ش ۱ و ۲ .
- غفاری ، مریم (۱۳۷۷) ، آیا ضرب و شتم زدن نشانه ی مردانگی است ؟، روزنامه ی همشهری ، سال ششم ، ش ۱۵۷۵ ، ۷ تیر ۱۳۷۷ .
- فتاحی مفرح ، مریم (۱۳۸۰) ، بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده ی علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران .
- فنی ، زهره (۱۳۷۸) ، بررسی علل خشونت نسبت به زنان ، مجموعه ی مقالات زن در یافته های نوین پژوهشی ، تهران ، پژوهشکده ی زنان ، دانشگاه الزهرا .
- کاهانی ، علیرضا (۱۳۷۶) ، همسرآزاری چیست ؟ ، روزنامه ی همشهری ، سال ششم، ۲۷ آذر ۱۳۷۶ .
- مصلح الدین ، محمد (۱۳۸۰) ، گزارش کارگاه خشونت علیه زنان و روش های پیشگیری و حمایت قربانیان ، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان .
- معظمی ، شهلا (۱۳۸۰) ، اعمال خشونت علیه زنان در استان های سیستان و بلوچستان ، کردستان ، گلستان ، بوشهر ، شهرستان اسلام شهر تهران ، دانشکده حقوق و علوم انسانی ، دانشگاه تهران .
- موسوی ، صبریه السادات ؛ شفیعی ، لیلا (۱۳۸۰) ، علل زن آزاری و خشونت علیه زنان ، پایان نامه ی کارشناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران .
- مولوردی ، شهین دخت (۱۳۷۸) ، علل و ریشه های خشونت علیه زنان ، نشریه حقوق زنان ، سال دوم ، ش ۱۰ ، تیر ۱۳۷۸ .
- نازپرور ، بشیر (۱۳۷۶) ، بررسی موارد زن آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی شهر تهران ، پایان نامه ی دوره ی تخصصی پزشکی قانونی ، تهران ، دانشگاه علوم پزشکی تهران .
- وثوقی ، منصور ؛ نیک خلق ، علی اکبر (۱۳۸۰) ، مبانی جامعه شناسی ، تهران ، انتشارات خردمند .
- Anderson , K.L . (1997) “ Genders, status & Domestic violence” .
Journal of Marriage and the Family , vol. 59 , No. 3 .
- Gelles , R.J. (1976) “ Abused wives : Why do they stay” . Journal of Marriage and the family , Vol . 38 , No . 4.
- Gelles , R.J. & straus , M.A. (1979) “ Violence in the American family” .
Journal of Social Issues , Vol . 35.
- Hornung , C.A. & Others . (1981) “ Status relationships in marriage : Risk factors in spouse abuse” . Journal of Marriage and the Family , Vol . 43 , No . 3.
- Martin , M.J .(1987) “ family violence and adolescent’s perceptions of outcomes of family conflict” . Journal of Marriage and the Family , Vol . 49 , No . 1.
- Schuerger , J.M. & Reigle , N. (1988) “ Personality and Biogeraphic data that characterize men who abuse their wives” . Journal of Consulting and Clinical Psychology , Vol . 44 , No . 1.

- Stets , J.E . (1998) “ Verbal and physical aggression in marriage” . Journal of Marriage and the Family , Vol . 1.52, No . 2.
- Straus , M.A. & Sweet , Stephen . (1992) “Verbal/ Symbolic aggression in couples : Incidence rates and relationships to personal characteristics” . Journal of Marriage and the family , Vol . 54 , No . 2.
- Struber , M. & Barbour , L.S . (1983) “ The decision to leave an abusive relationship : Economic dependence and psychological commitment” . Journal of marriage and the Family, Vol . 45 , No . 4.
- Synder , D.K. & Frachtmen , L.A . (1981) “Differential patterns of wife abuse : As data- based typology”. Journal of Consulting and Clinical Psychology , Vol . 49 , No . 6 .
- Ulbrich , P. & Huber , J. (1981) “ Observing parental violence : Distribution and effects” . Journal of Marriage and the Family , Vol . 43 , No . 3 .